

نکات شب چهارم محرم

امیرالمومنین علیه السلام:

... و لَا بِحَكِيمٍ مِّنْ رَّضِيَ بِثَنَاءِ أَجَاهِلٍ عَلَيْهِ

آن که از ستایش نادان خوشش آید، خردمند نیست.

• کسانی که بیش از حد عاقلانه تصور میکنند مورد توجه دیگرانند، متعادل نیستند.

• حد عاقلانه ی آن، شأن است.

• مجموعه های روایی عقلانی، يك مجموعه ی احساسی متعادل است.

• کسی که از منظر احساسی معتدل باشد، این اعتدال او را در عاقلانه رفتار کردن کمک میکند.

• بخشی از عقل، تجربه است.

• کسی که با دست خود، خودش را به هلاکت بیندازد، عاقل نیست.

• عقلانیت با اوج احساس های اصحاب ابی عبدالله علیه السلام، یکیست.

• در مورد جناب حرّ:

اگر مقابل ولیّ خدا ایستادن شرم دارد، شرم اصیل میگیرد؛ بدنش میلرزد و شرم را تجربه میکند.

• يك مسلمان سالم، تمام احساس های اصیل را در بدن (فیزیولوژیکی) تجربه میکند، چون با يك واقعیتی مواجه است. دورن و بیرونش یکیست.

• حرّ سرلشگر است! ولی در مواجهه با واقعیت، شرم گرفته و حتی میترسد.

– جناب حر کجاست؟ در احساسش

– احساسش از کجاست؟ از واقعیت

– واقعیت این احساس چیست؟ شرم از مقابله با ولیّ خدا...

واقعیت را دیده و لحظه به لحظه با آن حرکت میکند.

– نور عقل و بینش ایمانی، فرد را به صحنه قیامت میبرد. حر، خودش را مخیر بین بهشت و جهنم دید...

• سهامداری؛ سهم خودش را دید و بر اساس واقعیت لحظه برای جبران، حرکت کرد؛ خدمت امام علیه السلام رسید عرض کرد، "من بودم که راه را بر شما بستم و بر

شما تنگ گرفتم"

• روراستی؛ با خودش و امام علیه السلام رو راست بود و عرض کرد من نمیدانستم این قوم با شما اینگونه میکنند...

• اتصال به واقعیت؛ پشیمان است...

و برای جبران، درخواست میکند اولین نفری باشد که برای یاری امام علیه السلام به میدان برود.

این معرفت واقعی از ولایت است. و او را به جایی میرساند که امام عصر علیه السلام هرروز به او سلام کند.

• چقدر با احساس لحظه ات واقعاً هستی؟